

تته مرکز عمدهٔ فعالیتهای اجتماعی و سیاسی سند در قرون وسطی، به داشتن بعضی آثار برجستهٔ معماری اسلامی ممتاز است. مجموعهٔ مساجد، آرامگاهها، مدرسه‌ها، مناره‌ها و کاخهای بزرگ و زیبا، نشانه‌ای است از رونق، آبادی و شکوهی که بر این شهر روزگاری سایه افکنده بود. اکنون معدودی از این ساختمانها از گزند روزگار در امان مانده، که عبارتند از مسجدها و آرامگاههای موجود در شهر و در تپه مجاور شهر به نام مکلی. این ساختمانها با آنکه اینک عاری از زیبایی و شکوه اصلی خویش گشته‌اند، هنوز بیننده را به یاد عظمت و شکوه کهن این شهر می‌اندازد.

از جملهٔ این ساختمانها باید از مسجد جامع نام برد که به نام دابگران مسجد معروف است. اصلاً، این مسجد در میان بازار دابگران واقع بود که روزگاری مرکز دادوستدی پررونق به شمار می‌رفت، و محل و مسجد عمدهٔ شهر در آن بود. این مسجد با آجر سرخ بر بنیادی سنگی و مزین به کاشیهای رنگارنگ و کاشی موزائیک، ساخته شده است. اکنون، این ناحیه درانتهای جنوبی شهر قرار دارد، و متروک و خالی مانده است. از این مسجد که نموداری از عظمت کهنش برجای مانده، تنها محراب و مدخلی بریاست، و از دالانهای مسجد و دیگر عوامل مخصوص مسجد اثری نمانده است. به روزگار رونق، این مسجد جایگاه عبادت بزرگان و برجستگان و نیز مردم عادی بوده است، که از آن جمله باید از شاه جهان - از دودمان گورکانیان هند - نام برد که در زمان ولایتمندی در تته اقامت داشت.^۱

وی پس از تاجگذاری فرمان داد که مسجدی بزرگتر بسازند. این مسجد در ۱۰۵۴-۱۰۵۷ هـ. ق/ ۱۶۴۴-۱۶۴۷ م به اتمام رسید، و مسجد شاه جهان نامیده شد. چنین می‌نماید که از آن زمان، مسجد دابگران از اهمیت افتاده باشد.

بنیادگذار

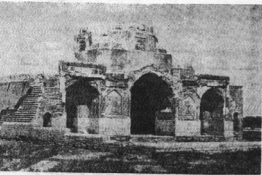
این مسجد به دست خسروخان چرکس^۲، از بازماندگان چنگیزخان مشهور، که در آغاز عمر به سند آمد و به خدمت ملاجانی بندری همچون خدمتکاری جزه درآمد، ساخته شده است. پی از چندی، نامبرده به خدمت عیسی خان طرخان اول (۹۶۲-۹۷۲ هـ. ق/ ۱۵۵۴-۱۵۶۶ م)، به عنوان ساقی پیوست، و بتدریج کارش بالا گرفت و از خاصان مولایش شد و مباشر املاک او گشت. در زمان میرزا باقی بیگ، بازسین فرمانروای مستقل خاندان طرخان (۹۷۴-۹۹۳ هـ. ق/ ۱۵۶۶-۱۵۸۵ م)، وی همچنان بر مسند تکیه داشت، و سمت وزارت یافت. در هنگام برخورد جانی بیگ پادشاه خاندان، خسروچرکس شایستگی خود را نمایان ساخت و کسارتی و جنگاوری او همگان را خیره ساخت. چون مذاکرات صلح پاکرفت، خسروخان به جانپداری

معماری مسجد

دابگران تته پاکستان

نویسنده: احمد نبی خان

مترجم: مسعود رجب نیا



از مولایش کوشید. این پایه از شجاعت و شایستگی، سردار دربار گورکانیان هند را بر آن داشت تا از جانی بیگ بخواهد کسه چرخس را به او واگذارد تا از پسر اسونیسان او باشد. بعدها، چون اکبر حکومت بعضی از نواحی سند سفلی را به جانی بیگ واگذاشت، خسروخان چرخس مأمور رسیدگی به امور دیوانی آن حدود شد. پس از مرگ جانی بیگ، خسروخان به نیابت سلطنت غازی بیگ - که هنوز طفل بود - گمارده شد. در ۱۰۱۷ هـ. ق/ ۱۶۰۸ م، جهانگیر بر آن شد تا غازی بیگ را برای نشان دادن شورش قزلباش به قندهار گسیل دارد. در غیبت او، خسروخان مأمور رسیدگی به امور سند شد. در این دوران، خسروخان اسرافهای کرد و با نجبای دودمان طرخان ناسازگاری نمود، که اینان داوری پیش غازی بیگ بردند. آنگاه غازی بیگ، چرخس را برکنار کرد و هندوخان را به جای او گذاشت.

شاید این امر، در ۱۰۱۹ هـ. ق/ ۱۶۱۰ م روی داده باشد. اما این ترتیب چندان دوام نکرد، و میرزا غازی سال بعد ناگهان درگذشت. خسرو، هندوخان را از مسند فروکشید و میرزا عبدالعلی از بازماندگان میرزا باقی را بر جای غازی بیگ نشاند، و خود به اداره امور پرداخت. شدت عمل جهانگیر که عبدالعلی را از تخت خلع و احضار کرد، نقشه های خسروخان را نقش بر آب ساخت. خسروناچار از همراهی عبدالعلی به پایه سریر جهانگیر شد. چون به اجمر رسیدند به زندان افتادند و خسرو در زندان درگذشت. پدین گونه سرگذشت خسروچرخس که از پایگاهی پست به مقامی بلند رسید و در واقع قبض و بسط همه امور سلطنت تا ۲۰ سال به دست او بود، پایان یافت.

مورخان زمانش و نیز مورخان پس از او، خسرو را مدبری با تدبیر، با حسن سلوک و با فرهنگ دانسته اند. وی جوانمرد و مؤمن بود، و هرگز کسانی را که به نیازی پیش او می آمدند، محروم باز نمی گرداند. وی در دوران طولانی حکومتش، کوشید تا منتهای نیکی را به خلق روا دارد. بر طبق گفته قانع، در حدود ۴۶۰ بنای عام المنفعه از مسجد، کهریز، پل، آب انبار و ایوان بنیاد کرد. از آن جمله، ۲ بنای عظیم او یکی مسجد دایگران در تته و دیگری ساختمان معروف به غرنی در مکنی تپه، هنوز - گویانکه ویرانه اند - برپا هستند و از حسن سلیقه و نیت سازنده داستان می زنند.

معماری بنا

مسجد دایگران که به هنگام رونق محل عمده تجمع مؤمنان شهر تته بود، به سال ۹۹۷ هـ. ق/ ۱۵۸۸ م ساخته شد. این مسجد واجد مختصات و تزئینات معماری جاری در بناهای تته و شکل تپه است. بدبختانه، بیشتر عظمت این مسجد اکنون ناپدید گشته است. دروازه مدخل و دالان آن که بایستی پر عظمت بوده باشد، اکنون فرو ریخته و تپه گشته است. برجسته ترین تزئینات

کاشی و موزائیک آن که در شبستان مسجد پرداخته شده بود، اینک نابود گشته است. همچنین محراب سنگی آن، یکی از نمونه های زیبای هنر حجاری زمانه محسوب می شود. حیاط چهار گوش مسجد - به ابعاد ۶۹ پا و هفت اینچ در ۶۱ پا - و شبستان آن، امروزه با دیوار آجری مسدود شده و مدخلی در وسط آن - به عرض ۵ پا در قسمت شرقی - گذاشته شده است. کفپوش حیاط آن تپاه گشته و در پیرامون آن بویژه پاره شرقی آن، گیاهان هرزه روئیده است.

شبستان مسجد که تا حدودی سالم مانده، تنها قسمتی است که برپاست و از نظر معماری، بناهی است طویل به درازای ۸۲ پا و ۱۱ اینچ شمالی - جنوبی و پهنای ۳۸ پا و ۴۱/۲ اینچ شرقی - غربی. شبستان دارای ۳ قسمت است باطاقهای کمانی سنگین متکی بر ستونهای بزرگ قسمت شده و حامل کتیبه های سه گانه هشت پر است با انتهای مدور گنبدی. فرورفتگی مدور داخلی، موجب برآمدگی مطبق و مقرنس در بالای بام شده است. در دیوار غربی هریک از قسمتهای سه گانه، محرابی است به شکل طاقچه مدور که طاقچه میانی بزرگتر است، و در سمتهای شمالی و جنوبی هم طاقچه های مدوری وجود دارد.

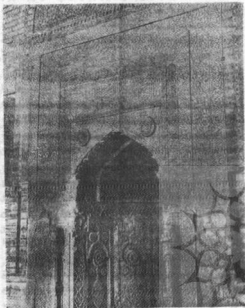
شبستان ۳ مدخل دارد که مدخل وسطی آنها بزرگتر است. نخست، این شبستان معجری کوتاه داشت که اینک از میان رفته است. ۲ مدخل طرفینی دارای برآمدگی است. سطح خارجی آن اصلاً با سطح ضخیمی از آهک و گچ پرداخته شده، و دارای نقشهای تزئینی بوده است. ۲ جرز در ۲ سوی مدخل وسطی شبستان که به صحن مسجد منتهی می شود، با کاشیهای لمبایی و الوان تزئین شده بود که قسمت بزرگی از این گونه تزئینات، تاکنون تپاه شده و فرو ریخته است. در انتهای هر گوشه شبستان، یک پلکان درزیر طاق قوسی قرار گرفته است که به بام راه دارد.

محراب

در درون شبستان، جاذبترین قسمت، طاقچه های بلند و

و در کنار هم گذاشته شده‌اند تا اثری از یک نقش با کتیبه‌ای را مجسم سازند. این گونه آرایش را موزائیک گویند، و آن را بیشتر برای پوشاندن سطح مقرنسها و نیز سطوح محراب مرکزی به کار برده‌اند.

قسمت مرکزی شبستان، دارای تزئینات زیبای پرداخته از کاشیهای مربع است. نقشهای اصلی به کار رفته در اینجا عبارتند از: ۲: تریخ کوچک و بزرگ در گوشه‌ها و در بالای طاق. بقیه سطح، با نقش و نگار، و گل و بته پوشیده شده



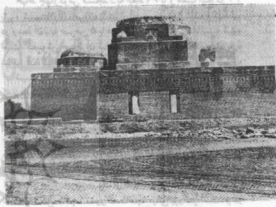
است. این گونه نقش و نگارها، در سراسر سطوح مختلف شبستان تکرار شده است. علاوه بر اینها، در قسمت‌های ۴ طرف، کاشیهای مزین لعابی به کار رفته است. داخل محراب و سطوح اطراف، نقشهای بدعی دارد. قسمت پایین محراب با نقشهای لوزی، و قسمت بالای آن با نقشهای شش گوش شبیه لانه زنبور پرداخته شده است.

نتیجه

توصیف معماری و تزئینات محرابی مسجد دابگران که کهنترین مسجد موجود در تته می باشد، نمودار جنبه‌های مختلف پیشرفت مسجدمسازي در سده است. با آنکه ساختمان آن تباه گشته و تزئینات آن فرو ریخته، بازهم نمونه زیبایی است از

ژرفی است که با تزئینات و آرایشهای شگفتی، پرداخته شده است. این محراب، عبارت است از یک قطعه سنگ مسطح شده زرد رسوبی که بر فراز آن، صفحه‌ای طاقدار با تزئینات موزائیک کاشی برآورده شده است. این سنگ مسطح، نور و سایه را به گونه‌ای شگفت منعکس می نماید. بر سطح این سنگ، گل‌هایی کنده کاری شده است. در ۲ جای سنگ نیز آبه‌هایی از قرآن نقش شده، که بر یکی از آنها تاریخ ساختمان محراب نگاشته شده است.

در فرورفتگی محراب که ۳ پا و ۹ اینچ است، تزئینات جالب توجهی از ترنجها، تاجها، سرتیرها و گل‌های نیلوفر نگاشته شده است. البته، محرابهای دیگر این شبستان از نظر تزئینات، دارای تکلف کمتری هستند.



پوشش کاشی

درون شبستان به شیوه معمول سنده، با کاشیهای لعابی به گونه‌های مختلف آراسته شده است. این سطح رنگارنگ با به کار بستن ۳ فن مختلف، پرداخته است:

۱. کاشیهای مربع آبی و سفیدی که دارای نقش گلهاست. این کاشیها چنان تعبیه شده‌اند که با کاشیهای دیگر در ارائه نقشها سازگارند، و چنان در دیوار کار گذاشته شده‌اند که بیننده کمتر می تواند حدود هر یک از کاشیها را در نقش دریابد.
۲. کاشیهایی که دارای نقشهای هندسی، از قبیل: مربع، لوزی، خاج و مثلث می باشند. بیشتر رنگهای نقشها، سرخ و آبی است که در کنار هم گذاشته شده است.
۳. قطعات کوچکی از کاشیهای سفالی با نقشه خاص بریده



ادامه از صفحه ۸۱

- ۷۲. محراب نبوده، سایر بقعه‌هایی که رسول اکرم(ص) در آن نماز خوانده‌اند نیز اگر با لفظ محراب ضبط شده باشد، در حکم مسجد النبی است.
- ۷۳. وفاء الوفاء باخسار دارالمصطفی(ص)، مصر، ۱۳۲۶ هـ. ق، جزء ۱، ص ۳۷۰
- ۷۴. تراث الاسلام، نگاشته جمعی از خاورشناسان، زیر نظر سرتوماس آرنولد، برگردان به عربی و تعلیق جرجیس فتح الله محامی، دارالطبعة، بیروت، ص ۲۳۷
- ۷۵. المحاریب العراقية، ص ۴۲، به نقل از :

Bulletin of school of Orient and African Studies, "Mihrab", vol 12, part 3, pp.447-448,453

شیوه معماری و تزیین در سند. از همه جالب توجه تر، محراب مرکزی شبستان است. محراب در همه مسجدها دارای اهمیت فراوان است، و از این جهت بدان توجه بیشتری مبذول می‌شود. از این رو، طاق بلند آن با سنگ زرد آراسته به نقشها و کتیبه‌های قرآنی، مزین شده است. هنر حجاری سندی کاری پس والا و کهن بوده است، که از هنر گجراتی معمول در مسجد هلال شان غازی در دولکا و مسجد جامع چامپانر یا آرامگاه مبارک شاه در محمود آباد متأثر است. اما با این همه، مشخصات هنرمندان سندی در هر دقیقه‌ای از دقایق آن جلوه گر است. در عرصه تزیینات کاشیکاری، این مسجد نمونه‌ای است والا و کم نظیر. کاشیهای لعابی و رنگارنگ این مسجد، از نخستین کوششها و نمونه‌های کاشی سازی در پاکستان شمرده می‌شود. بعدها این هنر تکمیل شده، و در مسجد شاه جهان در تته و مزار امیرخان در مکلای به اوج رسید. این آثار دنباله‌ای از هنر مقتبس از ایران است. با اینهمه، کاشیکاریها و کاشیهای سندی مختصات و جلوه‌های خاصی دارد، که سبک معماری و تزیین سندی در آن نمودار است.*

پانوشتها:

۱. قانع، میرعلیشیر، تحفة الکرام، چاپ حسام الدین راشیدی، حیدرآباد، ۱۹۷۱ م
2. Cousen, Henry, Antiquities of Sind Calcutta, 1929, p. 121, sqq
۳. منابع کتاب شناسی درباره این شخص، تقریباً در همه تاریخهای محلی سند منظور است. برای شرح مختصر احوال او به شرحی که سیدحسام الدین راشیدی در کتاب مکلای میر علیشیر قانع (چاپ حیدرآباد، ۱۹۶۷ م، صص ۱۵۹-۲۳۲) نگاشته است - و نیز تحفة الکرام (صص ۲۱۴-۲۱۷)، مراجعه شود. شرح بالا هم از این منابع نقل شده است.
۴. میر محمد، طرخان نامه، چاپ حیدرآباد، ص ۹۵، اما قانع می‌نویسد که خسروخان از فرمان جهانگیر تتر زد و به لاهور پندر گریخت، سپس به ایران رفت و در آنجا فوت کرد. ولی آشکار است که بازبینی روزهای عمر خود را در اجسر گذراند، و در ۱۰۲۸ هـ. ق/ ۱۶۱۸ م، مرد. مزار او در محوطه خواجه معین الدین چشتی است. ر. ک: تحفة الکرام، ص ۲۱۴، پاورقی ۱

* مجله هنر و مردم، بهمن ۱۳۵۳، شماره ۱۵۹-۱۶۰، صص ۳۸-۲۵

